

بلاغت

# بازخوانی تفکر اخلاقی بہ سعی شہید ثانی

گزارشے از پانجمین نشست دین و اخلاق

حجت الاسلام والمسلمین رضا مختاری

۱۸ اردیہشت ماہ ۱۳۹۶

بہ قلم: مریم قاسمی

بازخوانے تفکر اخلاقے  
بہ سعی شہید ثانی

سلسلہ نشستہاے

مختاری

حجت الاسلام والمسلمین رضا

زمان: دوشنبہ ۱۸ اردیہشت ماہ، ساعت ۱۸

مکان: قم، بلوار محمد امین (ص)، کوچہ ۱۳، پلاک ۲۹

دانشگاہ قم

کتابخانہ اربعہ ائمه اطہرا (ع)

## چکیده:

«شهید ثانی» از علمای بزرگ «جبل عامل» لبنان در قرن دهم هجری است که در سال ۹۱۱ هجری قمری متولد شدند و در ماه شعبان ۹۶۵ قمری در استانبول به شهادت رسیده است. او یک شخصیت اخلاقی بسیار وارسته و دارای عمری پربرکتی بود. با سفرهای متعدد علمی که به مصر، مکه، مدینه و عراق داشت، آثار سودمند و بسیار ارزنده‌ای از خود باقی گذاشته است و شاگردان بسیار بزرگی را پرورش داده است که معروف‌ترین آنها «پدر شیخ بهایی» است. او در بیشتر آثارش من الجمله آثار اخلاقی‌اش مانند منیة المرید فی آداب المفید و المستفید، اسرارالصلاه، کشف الریبه عن احکام الغیبه که سعی می‌کند با استفاده از آیات و روایات مخاطب خود را تحت تاثیر قرار بدهد تا تربیت شود. شهید ثانی دوران بسیار سختی را گذرانده است. سرانجام در ماه رجب در مسجدالحرام در حین طواف دستگیر شد؛ یعنی دولت عثمانی آن روز، ظالمانه «شهید ثانی» را در مسجدالحرام دستگیر کرد و به استانبول فرستاد و در آنجا بدون محاکمه، بدون دفاع و به جرم تشیع، به شهادت رسید. در مورد نحوه شهادت «شهید ثانی» فقط یک گزارش از علمای اهل سنت به نام «نهروانی» که اخیراً به دست آمده که در آنجا بیان می‌شود بدون محاکمه با ضربت شمشیر، شهید را به قتل رساندند. ابتدا کف پاهای ایشان را به رسم دولت عثمان مجروح کردند، شکافتند و شکنجه دادند، بعد شهید را گردن زدند. این گزارش اخیراً در کتابخانه‌ای واقع در ترکیه، در ذیل سفرنامه «قطب‌الدین نهروانی» از علمای معاصر «شهید ثانی» آمده که طی دو صفحه نحوه شهادت ایشان را بازگو می‌کند که مدتها به شکل محرمانه نگهداری می‌شد.

## شهید ثانی کیست؟

شهید ثانی یکی از علمای بسیار موفق ماست. در قرآن مجید آیه‌ای راجع به حضرت عیسی (علی نبینا و آله و علیه السلام) است که ایشان فرمود: «قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِيَ الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا / وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا؛ [کودک] گفت منم بنده خدا به من کتاب داده و مرا پیامبر قرار داده است / و هر جا که باشم مرا با برکت ساخته و تا زنده ام به نماز و زکات سفارش کرده است».

«جعلنی مبارکاً؛ خداوند من را مبارک قرار داد»؛ یعنی وجود من را همراه با برکت قرار داد. بعضی از عمرها برغم طولانی نبودنشان بسیار بابرکت هستند و آثار خیری بر جای می‌گذارند؛ مثل فعالیت‌های زیاد، تألیفات زیاد، خدمات زیاد. بعضی از عمرها هم برغم طولانی بودنشان هیچ اثری بر آن مترتب نشده که اصطلاحاً بی‌برکت هستند. همان‌طور

۱. سوره مریم / آیات ۳۱-۳۰.

که حضرت عیسی (علی نبیا وآله علیه السلام) یک شخص بابرکتی بودند، (جعلنی مبارکاً) شهید ثانی هم یکی از علمای مبارک و بسیار بابرکت ماست.

زین الدین بن علی، اهل جبل عامل لبنان در روستای «جبع» یا «جباع» که الان یک شهرکی در جنوب لبنان است. من هم دوباری رفتم. هنوز هم آثار منزل شهید ثانی و مسجدی که در روستای جبع ساخته شده، از بین نرفته. نزدیک جباع هم یک روستایی بسیار کوچکی به نام روستای لویزه است که شیخ بهائی و خاندانش که بسیار معروفی هستند، در آنجا زندگی می کردند. شیخ بهائی در بعضی جاها لویزی یا لویزانی می نویسد و این گونه خود را معرفی می کند. شهید ثانی (رحمه الله علیه) در ۱۱ ماه شوال ۹۱۱ به دنیا آمده و در هشتم شعبان ۹۶۵ به شهادت رسید. مدت عمرش ۵۴ سال بود. در این ۵۴ سال آثار و خدمات بسیاری دارد. یک بخش آن تألیفات بسیار مفید و نافع و قابل استفاده است. بعضی از تألیفات و آثار قلمی ایشان که خودش آنها را نام برده از بین برفته و گم شده و الان در دسترس نیست. مثل *منار قاصدین فی اسرار معالم الدین* که اثر اخلاقی بود ولی از بین رفته است.

### آثار شهید ثانی در حوزه های علمیه

آثار شهید ثانی در مجموعه ای به نام *موسوعه الشهید الثانی* گردآوری شده که از زمان خود شهید تا به امروز، همواره در حوزه ها مورد استفاده بوده. به عنوان مثال، کتاب *مسالك الافهام* در ۱۵ جلد که شرح شرایع است و همیشه مورد استفاده فقها قرار گرفته. همین الان هم هیچ درس خارج فقهی نیست که به آثار شهید در *مسالك* مراجعه نکند. شرح *لمعه* از دیگر آثاری است که به عنوان کتاب درسی در حوزه ها تدریس می شود و جالب این است که براساس استنساقی که شده یعنی نسخه های خطی موجود در ایران که در کتابخانه های شخصی و عمومی فهرست شده، همه در یک مجموعه ای به نام *دعوا و بعد فنحا* جمع آوری شده است که یکی کتابخانه ای مجلس و دیگری هم کتابخانه ملی به چاپ رسانده است. بعضی از آثار علما فقط یک نسخه خطی موجود است و بسیاری از آثار خطی شان از بین رفته، مثل شیخ مفید که نجاشی شاگردش حدود ۲۰۰ کتاب و رساله از شیخ مفید اسم می برد. از این ۲۰۰ کتاب و رساله ده یا بیست عنوانش مانده که در ۱۴ جلد چاپ شده است. اما اینکه چرا این آثار از بین می رفته یا صنعت چاپ نبوده و باید خودشان استنساق می کردند یا در اثر جنگ ها و آتش زدن کتابخانه ها آثار تماماً از بین می رفت. اما بسیاری از آثار وجود دارد که یک یا دو نسخه دارند. شرح *لمعه* شهید ثانی امروز در کتابخانه های ایران بیش از ۱۰۰۰ نسخه خطی وجود دارد؛ یعنی مورد اقبال و استفاده دانشمندان بوده. از شرح *لمعه* که بگذریم هیچ کتاب دیگر به این تعداد نسخه ندارد. غیر از *کافی* کلینی (رحمه الله علیه)، آن هم نه دوره کامل. به این برکت در علم می گویند؛ یعنی از همه آثار استفاده می شود.

کتاب‌های دیگر شهید مثل کتاب فقهی شرح ارشاد، شرح مختصر نافع کتابهای درایه، مصطلح الحدیث، کتاب اصولی مثل القواعد و الفوائد و نیز آثار اخلاقی ایشان. ایشان در عمر ۵۴ ساله آثاری نوشته که این چنین مورد استفاده و مراجعه است.

## شاگردان شهید ثانی

غیر از تألیفات، شهید ثانی شاگردان خوبی تربیت کرده مهم‌ترین آن، شیخ حسین بن ابوصمد پدر شیخ بهائی است که در زمان حیات شهید ثانی به ایران آمد و در دولت صفویه خدمات خیلی زیادی کرد؛ جلوی انحراف دولت صفویه به سمت تصوف و جهات دیگر را گرفت؛ یعنی باعث شد که این دولت به انحراف کشیده نشود.

از دیگر شاگرد شهید ثانی، علی ابن صائل است. پدر صاحب مدارک است. خود صاحب مدارک نوه‌ی دختری شهید ثانی است. صاحب معالم که پسرش است و نسل علمی تا مدت‌ها در این خاندان ادامه داشته.

زمان شهید ثانی مثل زمان ما نبوده که یک حوزه‌ی متمرکزی مثل قم یا نجف اشرف باشد و در این حوزه همه‌ی درس‌ها و اساتید یکجا جمع باشد و شاگرد بتواند از همه سطوح و اساتید استفاده کنند. اصلاً این طور نبوده، بلکه طلبه مجبور بوده به این روستا و آن شهر برود تا هر علمی را پیش یک استادی فرا بگیرد. مثلاً خود شهید ثانی که یک مقدار از درسش را در محل جبع پیش پدرش و دیگران کسب کرد. بعد از جبع به میس رفته و پیش عبدالعالی میسی فقیه معروف، درس فقه را نزد او خوانده. همچنین به لبنان و سایر کشورهای دیگر مهاجرت کرده تا علم تحصیل کند. نقل است که شهید خودش را شافعی معرفی می‌کرد تا درس صحیح مسلم یا صحیح بخاری را پیش علمای سنی بخواند.

## زندگی و نحوه شهادت شهید ثانی

شهید ثانی شاگردی به نام «ابن عودی» دارد که سرگذشت شهید را نوشته. البته متن زندگی نامه به قلم خود شهید ثانی هم موجود است که ما در این مجموعه آثارش چاپ کردیم. منتهی تا ده سال قبل از شهادتش یعنی تا ۹۵۵ به بعد را ابن عودی نقل می‌کند که بعد از این تاریخ ایشان از شر دشمنان در امان نبود. با این عبارت «کان یعود من جبل الی جبل» یعنی از شر دشمنان از کوهی به کوهی پناه می‌برد از جایی به جایی.

در جایی دیگر می‌نویسد: «هذالتاریخ کان خاتمه، اوقات الامان و سلامه من الحدثان ثم نزل به ما نزل» و نیز می‌گوید: «واخبرنی قدس الله لطفه و کان فی منزلی بجزین متخفی من الاعداء. یا متخفی من الاعداء».

از سال ۹۵۶ به بعد شهید ثانی در منزل شاگردش در جزین مخفیانه زندگی می‌کند. شهید ثانی را یکبار در دمشق قاضی سنی احضارش کرده، بعد نتوانسته او را محکوم کند. لذا نجات پیدا می‌کند. اما بعد به آن قاضی رساندند که او از

علمای شیعه است و به شدت از مذهب تشیع دفاع می کند و حیف شد که از دست شما فرار کرد. این قاضی در صدد برمی آید که شهید را به شکل دیگری دستگیر کند. او ده سال آخر عمرش را مخفیانه زندگی می کرده و خیلی علنی نبود.

شهید ثانی تصمیم می گیرد به مکه برود و در پناه حرم امن الهی زندگی کند تا از شر دشمنان در امان باشد. به مسافرت می کند. تاریخ دقیق مسافرتش معلوم نیست. ولی حوادثی که در مکه اتفاق افتاد معلوم است؛ یعنی شاگردش

«ملا محمود لاهیجانی»، گزارشی از روزهای آخر عمر شهید را در مکه می دهد که شهید ثانی در حال طواف در ماه رجب در مسجد الحرام دستگیر می شود؛ یعنی به دستور همین قاضی عثمانی دستگیر می شود. او را با یک کاروانی به استانبول مرکز دولت عثمانی می فرستند و در آنجا به شهادت می رسد.

**نسخه خطی در کتابخانه ای واقع در ترکیه پرده از شهادت «ثانی» بر می دارد. فقط یک گزارش از علمای اهل سنت داریم به نام «نهروانی» که اخیراً به دست آمده است که در آنجا بیان می شود بدون محاکمه با ضربت شمشیر، شهید را به قتل رساند، ابتدا کف پاهای ایشان را به رسم دولت عثمان مجروح کردند، شکافتند**

شهید ثانی از جمله شهدای غریب است. به این

معنا که هیچ فرد شیعی همراهش نبوده و هیچ خبری از او تا مدت ها نداشتند؛ یعنی هم شاگردهایش در جبل العامل، هم خانواده اش و هم علمای شیعه هیچ خبری از او نداشتند. اینکه کجا و چگونه به شهادت رسیدند کسی از جزئیاتش خبری نداشت. تا اینکه در این اواخر و چند سال پیش یکی از دانشمندان امریکایی یکی از سفرنامه های عالم سنی به نام قطب الدین نهروانی با ترجمه ی انگلیسی اش چاپ کرد و متن عربی اش را هم به همراه سی دی با ترجمه انگلیسی منتشر کرد. این کتاب اسمش *الفوائد الثنیه فی الرحله روحانیه و المدنیه* است.

قطب الدین نهروانی از علمای معروف اهل سنت بود که در سال شهادت شهید در مکه از طرف دولت عثمانی قاضی بوده. این قاضی در این سفرنامه اش به اسم *الفوائد الثنیه* یک گزارشی از دستگیری شهید و نحوه شهادتش در استانبول نقل می کند. ما این یک صفحه از این کتاب *فوائد الثنیه* که مربوط به شهادت شهید است، در مجله ی کتاب شعر چاپ کردیم. الان هم چند کلمه اش را برایتان می خوانم که جزئیات شهادت را گفته و تعریف این قاضی که از خود شهید می کند.

«فی ثامن الشعبان امرالوزیر الاعظم بقتل الشیخ زین الدین جبل العاملی فاعطی به الی الدیوان و لم یسئل عن شیءٍ و قطع رأسه هناك و لحفه احمس رجیله بسیف و کان یتشهد عند قطع رأسه شهادتین».

در هشتم شعبان وزیر اعظم رستم پاشا بود. هیچ محاکمه‌ای هم در کار نبود. در دیوان در حضور وزیر اعظم آوردنش و هیچ هم از او پرسیدند. کف پای شهید را با شمشیر زدند و سر مطهرش را قطع کردند.»

بعد قصه را شرح می‌دهد که از شام مکه آمد و در مکه دستگیر شد. توضیح می‌دهد که شخصی به نام حسن بیگ قاضی عثمانی در مکه بود: «والیقضاء المکه مشرفه فساده مجاور الشیخ زین الدین بمکه.»

«فاخیر افندی بانه بمکه» به این قاضی سنی گفتند که شهید در مکه است.

«فامر بالقبض علیه» علمای شیعه گفتند که در حال طواف در ماه رجب دستگیر شد.

«فقبض علیه فحبسه» حدود ۴۰ روز هم در مکه زندانی بود.

«واستعا کثیر من الناس فی اطلاقه و بذلوا له علی ذالک مالاً» شیعیانی که در مکه بودند که یکی از آنها حاجی محمد مکی بود که پولهایی به این قاضی هم دادند ولی اثر نکرد. پول را هم گرفت و شهید را هم آزاد نکرد.

«فاجز الناس فی الاستخلاصه» شیعیان نتوانستند شهید را در مکه نجات بدهند.

«فارسله الی مصر مقیداً» شهید را به مصر و از مصر هم به استانبول فرستادند. تحویل شخصی در آنجا دادند.

«و امره ان یرسله الی وزیر الاعظم فاوصله الیه» آن شخص هم شهید را به وزیر اعظم عثمانی رساند.

«فامر بقتله علی هذه الصوره» یعنی بدون هیچ محاکمه‌ای و بدین نحو او را کشتند.

حالا قطب الدین نهروانی که کتابهای دیگری غیر از این فوائد الثنیه دارد. خودش در باره‌ی شهید می‌گوید:

«و کان رجلاً ظاهره فی غایه الاستقامه در نهایت استقامت و مستقیم السلیقه بودن. والله تعالی اعلم بیاطنه و کانت له فضیله تامه و حسن محاوره و الطف المکالمه تجاوز الله تعالی عنه و محاسناته». خدا از او بگذرد سیناتش را محو کند «فإن سیه محایً لذنوب» چون به مسلک خود شهید شد، شهادت گناهان را از بین می‌برد. این یک نظر سنی است.

## فعالیت‌های علمی شهید ثانی

شهید ثانی به غیر از تالیف و تدریس، کارهای دیگر هم داشت. آن زمان که صنعت چاپ نبوده، اگر کسی می‌خواست کتاب داشته باشد یا باید خودش استنساق کند یا به دیگران بدهد که برایش بنویسند. شهید ثانی حدود ۲۰۰ کتاب استنساق کرده؛ یعنی از کتاب‌های دیگران، نه از تألیفات خودش. غیر از استنساق، بسیاری از کتاب‌های حدیثی را مقابله و تصحیح کرده؛ از جمله کتاب کافی که با نسخه‌ی اصل و معتبر مقابله و تصحیح کرده.

خود شهید در زندگی نامه‌اش می‌گوید: یک شب کلینی صاحب کافی را در خواب دیدم که گلایه می‌کرد از این که نسخه‌ی خوبی از کتاب کافی در دست نیست بعد هم رفت و یک نسخه خوبی آورد و تحویل من داد. و من بعد از آن من موفق شدم کتاب کافی را مقابله کنم.

همچنین تهذیب شیخ طوسی که به خط خود شیخ طوسی نزد شهید ثانی بوده که اصطلاحاً نسخه‌ی اصل می‌گویند. شهید ثانی تهذیب شیخ را با نسخه‌ی خودش در مدت طولانی یعنی کلمه با کلمه با شاگردش پدر شیخ بهائی مقابله کرد. نسخه‌ی اصل الان از بین رفته ولی آن نسخه‌ای که مقابله کردند در کتابخانه آقای مرعشی و جای دیگر موجود است.

تهذیب شیخ قدوسی مقابله‌ی این دو بزرگوار است و همچنین سایر کتاب‌های. پس شهید ثانی در مقوله‌های مختلفی فعالیت داشتند: تدریس، تألیف و پرورش شاگرد با این عمر کوتاه و بسیار با برکت‌شان. ملاصدرا درباره‌ی شهید ثانی در شرح اصول کافی صفحه ۱۵۶ آن چاپ قدیمی سنگی، یک عبارت دارد که فرمودند: «الشیخ الفاضل العالم ناهج مسلک الورع والیقین عدوته المجتهدین زین المله والحقیقه و الدین». این اجمالی از زندگی شهید برای ورود به بحث آثار اخلاقی‌اش که لازم بود اطلاعاتی داشته باشید.

## آثار اخلاقی شهید ثانی

تالیفات اخلاقی شهید ثانی مشتمل بر چند کتاب و رساله است که همه آنها تا عصر ما مورد استفاده بوده. این تالیفات عبارتند از: منیة المرید فی آداب المفید و المستفید که به اسم آداب مفید چاپ شده. در هند، عراق، ایران و لبنان بارها این کتاب چاپ شده و مورد استفاده قرار گرفته. کتاب التنبیهاة العلیه که معروف به اسرار فی الصلوة است. به طوری که امام خمینی (ره) در کتاب «آداب الصلوة» از کتاب ایشان استفاده کرده است. کتاب کشف الریبه عن احکام الغیبه. لازم است درباره این کتاب توضیحی داده شود.

**مهمترین کتابهای اخلاقی شهید ثانی عبارتند از: منیة المرید فی آداب المفید و المستفید، آداب الصلوة، کشف الریبه عن احکام الغیبه، مسکن الفؤاد عند فقد الاحبه و الاولاد و...**

کلمه «غیبت» در فارسی هم درباره غیبت امام عصر (علیه‌السلام) بکار می‌بریم و هم آن را از گناهان کبیره محسوب می‌کنیم. این دو واژه کاملاً از هم جدا هستند.

غیبت امام عصر (علیه‌السلام) کلمه صحیح آن از «غَیْبَه» یعنی غایب بودن است. مصدر غاب،

یَغِیْب، غَیْبَتُهُ، غَیْبٌ است. اما غیبتی که به معنای گناه کبیره است اسم مصدر اغتیب است و درستش غَیْبَتٌ است. یکی غَیْبَتٌ و دیگری غَیْبٌ است. ما هر دو را در فارسی غیبت می‌گوئیم. کشف الغیبه عن احکام الغیبه در باب غیبت و گناهان آن است. البته منحصر به غیبت نیست. حسد و چیزهای دیگر که در بین مردم رایج بوده، هست. اینها را هم

شهید بحث کرده. کتاب *مسکن الفؤاد عند فقد الاحبه و الاولاد* که به فارسی هم بارها چاپ شده و ۵ یا ۶ ترجمه فارسی دارد. این کتاب در مورد کسانی است که دچار مصیبت شدند؛ مثلاً جوان‌شان از دنیا می‌رود یا مشکلات دیگری پیدا می‌کنند. در حقیقت آرام بخش دل داغ‌دیدگان است.

شهید رساله‌ی کوتاه دیگری به نام *فی شرح حدیث الدنيا مزرعه الاخره* دارد که شرح حدیث معروف نبوی است «الدنيا مزرعه الاخرة» است.

شهید خودش تأکید می‌کند از کسانی است که بسیار مورد لطف و عنایت خداوند متعال بوده. خدا مرحوم آقای روضاتی در اصفهان را رحمت کند. آقا سید محمد علی روضاتی از خاندان روضات است که کتابخانه‌ی بسیار غنی داشت و آثار علمی بسیار خوبی هم دارد. ایشان می‌گفت: این طور نیست که هر کس هر کتابی نوشت مورد استفاده دیگران قرار بگیرد. ما آنقدر کتاب سراغ داریم که اشخاص نوشتند ولی بعدش مغازه دارها زردچوبه در آن پیچیدند و دست مردم دادند. (در قدیم مغازه دارها پسته و نخود و چای و قند اینها را در کاغذ می‌پیچیدند و به دست مردم می‌دادند). کتابی که از آن استفاده شود و مورد مراجعه باشد کم بوده، اما آثار شهیدثانی از جمله آثاری است که بسیار مورد استفاده قرار گرفته.

شهید در منیه المرید درباره‌ی خودش در بحث توکل می‌نویسد: باید در همه‌ی امور بر خداوند متعال توکل کرد و خداوند متعال بر اثر توکل به انسان لطف می‌کند. ایشان در صفحه ۱۶۰ همین کتاب فرموده: «وان فی ذلک من الوقایع و دقائق ما لو جمعه بلغ ما يعلمه الله من حسن الصنع الله تعالی بی». من خودم آنقدر در این باره واقعه دارم که اگر جمع کنم، یک مجلدی می‌شود. «من حسن صنع الله تعالی بی و جمیل معونه منذ الشغل بالعلم» که خداوند متعال چقدر در حق من لطف کرده و کمک‌های زیبا از وقتی مشغول تحصیل علم شدم، به من کرد.

شهید پیش علمای شیعه و سنی غیر از فقه و اصول و علوم رایج قدری فلسفه هم خوانده؛ یعنی حکمه الاشراق سهروردی را پیش محمد بن مکی یاد گرفته و آموزش دیده و نیز شرح *تجربید قوشجی*، حکمه الاشراق سهروردی و بعضی از شروح دیگر تجرید که از کتب کلامی است و قواعد عقلی را نزد ابن میثم بحرانی فرا گرفته است. منتهی در آثارش به فلسفه روی خوش نشان نداده. یک علتش هم این است در دوره‌ای که شهید ثانی زندگی می‌کرد، حوزه‌ی ایران و بسیاری از علما به تحصیل فلسفه و عرفان و امثال اینها مشغول بودند. علم فقه و حدیث مهجور بوده و شهید در لابلای آثارش تصریح می‌کند ما در شهرها و بلاد، فقیه نداریم. به تعبیر ما امروزی عالم اسلام شناس نداریم و مردم در مضیقه هستند. از این جهت اشخاص را به خواندن فقه و اصول ترغیب می‌کند و رغبتی به خواندن فلسفه و امثال اینها نشان نمی‌دهد.

شهید ثانی یک رساله هم در تقلید میت دارد که در آخر این کتاب می‌فرماید: این رساله را من در «کتابته فی جزء یسیر من یوم قصیر» در یک بخش کمی از روز زمستانی نوشتم که الان که ۳۲ صفحه چاپ شده است و یک رساله‌ی



استدلالی در باب تقلید میت است. البته آخرش نصایح و مواعظ دارد؛ یعنی یک رساله را در چند ساعتی از یک روز نوشته و آن هم نه یک رساله سبک و بی ارزش، بلکه رساله‌ای که مورد مراجعه فقها بعد از خودش بوده.

## ویژگی آثار شهید ثانی

شهید ثانی غیر از آنکه تالیف اخلاقی داشته، سایه‌ی اخلاق بر سایر آثارش مشاهده می‌شده، یعنی در هر اثری که نگاه می‌کنیم اول و آخرش به مناسبتی یک تذکر یا دعایی که به اثرش برکت می‌دهد، اشاره کرده است.

یک خاطره‌ای نقل کنم. آن سالهای اول که بنده منیة المرید را تصحیح کردم خدمت آیت الله وحید خراسانی رسیدم. ایشان فرمودند که شهیدین عمرشان با برکت بوده، و به خاطر خدمت به شهید خداوند متعال به عمر شما هم برکت می‌دهد. بعد داستانی را نقل کردند که شاید چند بار سر درس‌شان نقل کرده باشند. ایشان فرمودند که شخصی در مکه خدمت حضرت حجت (سلام الله علیه) رسیدند. حضرت فرمودند به مناسبتی که شهید از حطام دنیا بهره‌ای نبردند، یعنی زحمت کشیدند ولی از لذایذ دنیا بهره‌ای نبردند از این جهت ما به آثارشان برکت دادیم. بعد ایشان این تعبیر را نقل می‌کرد که منظور از کلام حضرت یعنی آثارشان آثار با برکت و همراه با معنویت است.

مثلاً شهید در پایان کتاب *مسالك* که یک کتاب فقهی است، عبارت‌هایی دارد: «مسالكك، فالنحمد الله علی نعمه و نسل من جوده و كرمه عن يتقبل من عملناه و عن يسامحنا في ما اغفلناه او اخطاءنا او يكتبه في سحائف الحسنات و يجعله ضريعه الی رفيع الدرجات و عن يقرنه بارضاه و يجعله خاليا عن شوب صباح و عن يجعل ما بقى عن ايام هذه المهله علی طاعته موقوفا و اما يباعد عن مرضاته مصروفا انه هو الجواد الکریم». معمولاً در سایر کتابها و رساله‌های دیگرش هم این گونه عبارت‌ها دیده می‌شود؛ یعنی سایه‌ی اخلاق در همه‌ی آثارش دیده می‌شود.

یا در آخر کتاب *رساله میت آمده*: «فاستيقضوا اخوان من وحدتكم و فيقوا من سكرتهم و تلافوا تفریطكم» ای برادران از خواب بیدار شوید و از این مستی به هوش بیایید. از دست دادن فرصت‌ها را تلافی کنید. و در آخرش می‌نویسد: «هم و اياكم عن تفرکم عن نفس الاماره محبته للکسب و لخصاره و تقول کذا». یعنی آثار غیر اخلاقی ایشان همچون فقه و اصول و تالیفات دیگرش هم به نوعی توصیه‌های اخلاقی در لابلايش مشاهده می‌شود.

از دیگر آثار اخلاقی این شهید بزرگوار، *اسرار الصلاة*، *مسکن الفؤاد* و *کشف الریبه عن احکام الغیبه* هستند.

## سبک اخلاقی شهید ثانی در تالیفات اخلاقی اش

همان‌طور که می‌دانید بسیاری از آثار اخلاقی علمای شیعه تحت تأثیر روش ارسطو تدوین شده؛ مثل جامع السادات نراقی یا معراج السعاده نراقی که آمدند غوغای نفس را به اصطلاح احضار کردند. معمولاً می‌گویند که نفس چهار

قوه دارد: قوه‌ی عاقله، عامله، اذبیه و شهویه. این چهار قوه، قوای نفس هستند. بعد برای این چهار قوه یک جنبه‌ی افراط و یک جنبه‌ی تفریط و جنبه‌ی حد وسط تعریف کردند که این حد وسط را فضیلت می‌گویند. جنبه‌ی افراط و تفریط را رذیله می‌گویند. مثلاً چهار قوه حکمت، شجاعت، عفت و عدالت حد وسط این چهار قوه است. افراط و تفریط هم دارد. مثلاً در شجاعت، جبن جنبه‌ی افراط و تهور جنبه‌ی تفریطش است. این معروف به اعتدال ارسطویی و بسیاری از کتاب‌های شیعه تحت تأثیر همین روش اخلاقی بنا شده است.

مرحوم آقای راشد تربتی پسر آخوند ملاعباس تربتی است که ایشان یک عبارتی دارد که می‌گوید شهید ثانی هم همین سبک را داشته. ایشان به اجمال می‌گوید روشی که ما هم از کتاب و سنت برای تربیت اخلاقی می‌فهمیم این است که مردم را به شکل‌های مختلف به کارهای خوب و صفات خوب تشویق کنیم. همین که یک کار خوب را شخص خیلی انجام بدهد کم کم برایش

**سبک اخلاقی شهید ثانی برگرفته از کتاب و سنت است. او برای اینکه مردم را به شکل‌های مختلف به کارها و صفات خوب تشویق کند، از آیات و روایات استفاده می‌کند. و قائل است همین که مردم یک کار خوب را انجام بدهند کم کم برایشان ملکه می‌شود و باعث انجام کارهای خوب دیگری در آنها می‌شود.**

ملکه می‌شود و باعث انجام کارهای خوب دیگری در آنها می‌شود.

سبک اخلاقی شهید ثانی این گونه است که سعی می‌کند از آیات و روایات مخاطب را تحت تأثیر قرار بدهد تا تربیت شود. درست مثل روش ابن طاووس صاحب *اقبا یا فیض کاشانی* که در *المحجّة البیضاء فی تهذیب الاحیاء*. شهید ثانی از آثار غزالی استفاده می‌کند. شهید ثانی یک رساله فقهی در باب مناسک حج دارد. در پایان کتاب اسرار حج را ذکر کرده که از غزالی استفاده می‌کند. یعنی از نظر سبک و روش تحت تأثیر غزالی است. من در *منیة المرید* صفحه به صفحه نشان دادم جاهایی که شهید از احیاء استفاده کرده. در *کشف الریبه* هم تحت تأثیر غزالی است. احادیث ضعیف، قصه‌های نادرست، مطالب بی‌اساس که در کلام غزالی بوده اینها را حذف کرده و احادیث صحیح از کافی و سایر کتب شیعه جایگزینش کرده است.

اکثر آثار اخلاقی شهید ثانی که در اختیار ماست، از نظر سبک تحت تأثیر غزالی و ابن طاووس است و هیچ اثری از اعتدال ارسطویی یا تقسیم‌بندی ارسطویی در آثارش دیده نمی‌شود. ولی همانطور که عرض کردم، خودش آدم بسیار معنوی و با برکتی بود.

در سفری که شهید ثانی به مصر داشت و پدر شیخ بهائی هم همراهش بوده که هر دو برای تحصیل به آنجا رفته بودند، در یک منطقه‌ای از استانبول، شهید ثانی رنگش متغیر می‌کند. پدر شیخ بهائی علت را از او پرسید. شهید فرمود: حدس

می‌زنم در این نقطه کسی از اولیای الهی به شهادت برسد. او چنین پیش بینی کرد. بعد از مدتی پدر شیخ بهائی می‌گوید: چند سال بعد خود شهید در آن نقطه به شهادت رسید.

این اجمالی از سبک اخلاقی شهیدثانی است که علمای متاخری مثل مرحوم راشد همین سبک را پسندیدند و ترجیح دادند.

سبک شهیدثانی تقریباً سبک تجربه شده‌ای است. به این معنا که بسیاری از روش‌های تربیتی یا روش‌های اخلاقی باعث شده بعضی افراد به انحرافات کشیده شوند، ولی روش شهید ثانی که طبق بیان مرحوم آقای راشد مطابق کتاب و سنت است. آقای راشد در همین سخنرانی هایش که انصافاً با این که سال ۱۳۲۰ تا ۵۷ ارائه کرده تا امروز هم به درد جامعه ما می‌خورد و هیچ کهنگی ندارد. چون مطالب مستدل متکی به آیات و روایات دارد. ایشان به یک مناسبتی آنجا گفته که بسیاری از امور است که تاثیری در تربیت اخلاقی جامعه ندارد. مثل این که ما بدانیم حقیقت نفس چیست. فلاسفه خودشان این همه اختلاف دارند. این که ما بدانیم حقیقت نفس چیست تاثیری در تربیت شدن ما ندارد و آنچه باید ما از آیات و روایات استفاده کنیم، این است که ائمه پیغمبر خدا، ائمه هدی (علیهم‌السلام) مردم را به فضائل نفسانی و افعال خیر تشویق می‌کردند. خود همین عمل باعث می‌شد ملکات خوب در وجود آنها نهادینه شود. این طور نیست که اگر مثلاً کاسب ما فهمید حقیقت نفس چیست، فردا گران فروشی نکند. ما هم مکلف نیستیم به بعضی از اموری که حقیقتش را خداوند متعال کما هو حقه می‌داند مثل همین نفس که می‌فرماید: «قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي»<sup>۱</sup> ما بیشتر ببینیم.

به نظر می‌آید روش تربیتی و اخلاقی شهید روش تجربه شده و موثری است بدون این که بخواهیم روش‌های دیگر را نفی کنیم که چنین آثار و برکاتی برایش مترتب و بار می‌شود.



خانه اخلاق پژوهان جوان

<sup>۱</sup>. بگو: روح از سنخ امر پروردگار من است. (سوره اسراء / آیه ۸۵).